

Analyzing Verses on Hypocrisy in the Holy Quran (Based on Force Image Schemas)

Arefeh Davoodi¹

Fathiye Fattahizadeh²

1. Post-Doc Researcher in Quran and Hadith Sciences, Alzahra University, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University/Tehran, Iran.

advaf14@yahoo.com / <https://orcid.org/0009-0003-4298-3666>

2. Professor, Department of Quranic Science and Hadith, Alzahra University,

Tehran, Iran. f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-1633-0955>

Scientific article

Received

2025-02-10

Accepted

2025-05-24

Keywords

Holy Qur'an,
Hypocrisy
(Nifāq),
Cognitive
Semantics,
Force Image
Schemas

Abstract: A cognitive analysis of the phenomenon of "hypocrisy" (nifāq) and the complex behavior of hypocrites opens new research horizons, enabling a tangible discovery of the semantic layers underlying Qur'anic verses on hypocrisy. Image schemas are foundational constructs in cognitive semantics, among which force schemas hold particular theoretical significance. The conceptual complexity of hypocrisy, along with the presence of force image schemas within its structure, justifies the selection of this abstract concept from the Holy Qur'an for analysis. The role of force schemas in event conceptualization was first emphasized by Johnson (1987). Using a descriptive-analytical approach, this study addresses the following questions: Which force image schemas from Johnson's cognitive semantics model are present in Qur'anic verses dealing with hypocrisy? Moreover, which force schemas are most frequently applied in conceptualizing the domain of hypocrisy? To analyze the data, verses related to hypocrisy were examined through lexical, thematic, and grammatical lenses, resulting in the extraction of approximately 13 force schemas. The significance of hypocrisy as a subject of study, combined with its rich representation in force schemas, motivated this conceptual investigation. In pursuit of the research objectives, seven of the most common force structures in the conceptual domain of hypocrisy were analyzed within the framework of image schemas. Findings indicate that the Blockage schema occurs with the highest frequency. This prevalence is cognitively motivated, as this schema highlights the role of moral transgressions in the violation of divine prohibitions (ḥarām). Notably, both the "restraint schema" and the "attraction/pulling schema" are absent from the conceptualization of these hypocritical verses.

DOI:

[10.22051/tqh.2025.50137.4356](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.50137.4356)

publisher

Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

تحلیل آیات نفاق در قرآن کریم؛ باتکیه بر طرح‌واره‌های تصویری نیرو

عارفه داودی^۱ فتحیه فتاحی‌زاده^۲

۱. پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)، عضو گروه پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران / advaf14@yahoo.com / <https://orcid.org/0009-0003-4298-3666>
 ۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. نویسنده مسئول
f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-1633-0955>

چکیده: تحلیل پدیده "نفاق" و پیچیدگی رفتار منافقان با نگاه شناختی، فضای جدیدی را به روی محققان می‌گشاید که در پرتو آن می‌توان به کشف لایه‌های معنایی آیات نفاق به‌صورت ملموس دست یافت. طرح‌واره‌های تصویری از مفاهیم زیرساختی در معنی‌شناسی شناختی‌اند. مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره‌های نیرو هستند. اهمیت موضوع نفاق و وجود طرح‌واره‌های تصویری نیرو در آن، علت انتخاب این مفهوم انتزاعی در قرآن کریم است. نقش طرح‌واره‌های نیرو در مفهوم‌سازی رویدادها ابتدا توسط جانسون (۱۹۸۷م) تأکید شده است. تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که کدامین طرح‌واره‌های نیروی معرفی‌شده در معنی‌شناسی شناختی «الگوی جانسون» در آیات نفاق وجود دارد. درضمن بیشترین طرح‌واره‌های نیرو و کاربرد آن در درک حوزه مفهومی نفاق چگونه است. به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش، ابتدا آیات نفاق با رویکرد مذکور در قالب (واژگانی، مضمونی و دستوری) مطالعه شد و حدود ۱۳ مورد طرح‌واره نیرو از آن استخراج شد. اهمیت موضوع نفاق از یک سو و وجود طرح‌واره‌های تصویری نیرو در آن از سوی دیگر سبب شد تا این حوزه مفهومی بررسی گردد. برای رسیدن به هدف، هفت مورد از رایج‌ترین ساختارهای نیرو در حوزه مفهومی نفاق در چهارچوب طرح‌واره‌های تصویری بررسی شد. نتیجه بیانگر آن است که طرح‌واره انسداد با اختلاف بسامد، از بیشترین بسامد برخوردار است که این فراوانی می‌تواند، توجیه شناختی داشته باشد؛ زیرا این نوع طرح‌واره نقش ناهنجارهای اخلاقی را در ترک محرمات پررنگ می‌سازد. همچنین طرح‌واره نیروی «حذف مانع» و طرح‌واره نیروی «جذب/کشش» در مفهوم‌سازی آیات نفاق وجود ندارد.

صص

۱۰۳-۱۲۷

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۱۱-۲۲

پذیرش:

۱۴۰۴-۰۳-۰۳

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم،

نفاق،

معنی‌شناسی

شناختی،

طرح‌واره‌های

تصویری نیرو

[10.22051/TOH.2025.50137.4356](https://doi.org/10.22051/TOH.2025.50137.4356)

DOI:

شکوهات دانشگاه لزهراء، تهران، اران

ناشر

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی شاخه‌ای از علم میان‌رشته‌ای شناخت است. شناخت به تمام (Evans, 2007, p جنبه‌های خودآگاه و ناخودآگاه عملکرد ذهن اطلاق می‌شود) 28). زبان‌شناسی شناختی در پی آن است تا از مطالعه زبان به چگونگی عملکرد (سازوکارهای ذهن دست یابد؛ لذا پیوند زبان و ذهن در زبان‌شناسی شناختی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (پاکتچی و افراشی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸). طرح‌واره تصویری^۱ از نظریه‌های رایج در عرصه زبان‌شناسی شناختی^۲ و حوزه معنی‌شناسی شناختی^۳ است. اصطلاح "تصویر" در زبان‌شناسی شناختی دارای کارکرد وسیعی است و تجربه‌های ادراکی - حسی را شامل می‌شود و دربردارنده نظام حسی، بینایی، شنیداری و غیره است. واژه «طرح‌واره» نیز در اصطلاح «طرح‌واره‌های تصویری» به این معناست که طرح‌واره‌های تصویری، مفاهیمی جزئی و غنی یا انضمامی نیستند، بلکه مفاهیمی کلی و انتزاعی به‌شمار می‌روند که از تجربه‌های تکراری، منتزع می‌شوند (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۴۸). مارک جانسون^۴ (در کتاب بدن در ذهن^۵ از بین انواع طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره‌های 1987) نیرو را به‌عنوان طرح‌واره‌های اصلی معرفی کرده است. او معتقد است که انسان برای اینکه بتواند به‌مثابه موجود زنده بقا یابد، نیازمند تعامل با محیط اطراف خویش است. حال آنکه همه این برهم‌کنش‌های علیّی مستلزم اعمال نیرو هستند. اعم از اینکه او بر اجسام نیرو وارد کند یا خود تحت تأثیر نیروی آنان قرار گیرد؛ لذا در سعی انسان به‌منظور فهم تجربه خود، ساختارهای نیرو نقش مرکزی ایفا می‌کنند. باتوجه به اینکه تجربه انسان از طریق فعالیت همراه با نیرو انسجام پیدا می‌کند، ساختار مفهومی او نیز توسط ساختار این فعالیت‌ها به‌هم مربوط می‌شود. (عبارت است از: 1987 طرح‌واره نیرو براساس تقسیم‌بندی الگوی جانسون)

1. Image Schema.

2. Cognitive Linguistics.

3. Cognitive Semantics.

4. M. Johnson.

5. The Body in the Mind.

«الزام/ اجبار»^۱، «مانع/ انسداد»^۲، «توانایی»^۳، «حذف محدودیت/ رفع مانع»^۴، «نیروی متقابل»^۵، «جذب/ کشش»^۶، «انحراف/ تغییر مسیر»^۷ (Johnson, 1987, p. 40-46).

در روش زبانی کلام وحی برای پی بردن به مفاهیم انتزاعی موجود در آن شیوه‌های شناختی گوناگونی مشهود است. کاربست نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی در قرآن کریم نگاهی نوین در مطالعه آن به وجود آورده است. از دستاورد این نوع پژوهش‌ها، دستیابی به مفاهیم پنهان در متن است. از جمله مسائل مهمی که در آیات متعدّد قرآنی به تناسب محورهای موضوعی آیات و سور وجود دارد، «پدیده نفاق» و «جریان‌شناسی نفاق» است. واژه «نفاق» از مصدر باب مفاعلة از ریشه «نَفَقَ» است. از جمله معنایی که برای واژه «نَفَقَ» ذکر شده و تا حدودی قریب به مفهوم نفاق است، معنای اسمی آن است. به معنای تونلی زیرزمینی که از جایی دیگر درب مخفیانه دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۲۲۸). از همین ریشه واژه دیگری به نام «نافقاء» است. این کلمه به معنای یکی از دو راه خروجی لانه «یربوع» (خزنده‌ای شبیه موش صحرایی) است. این حیوان برای لانه خویش دو راه خروجی در نظر گرفته است. یکی به نام «قاصعاء: راه آشکار» و دیگری «نافقاء: راه مخفیانه برای مواقع اضطراری و فرار از دشمن» (قُرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۹۸ و ۹۹). شایان ذکر است که واژه نفاق با مفهوم خاص آن، در فرهنگ اسلامی شکل گرفته است (صالح، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). تاریخ ورود واژه نفاق به زبان عربی را نخستین سال‌های ورود پیامبر^(ص) به مدینه تخمین می‌زنند. جریان نفاق در دوره نبوی افرادی را دربرمی‌گرفت که دشمنی باطنی خویش با پیامبر^(ص) و جامعه اسلامی را پنهان کرده بودند و در پی فرصتی برای ضربه‌زدن به پیامبر^(ص) و

1. Compulsion schema.

2. Blockage schema.

3. Enablement schema.

4. Removal of restraint schema.

5. Counterforce schema.

6. Attraction schema.

7. Diversion schema.

حاکمیت نبوی در مدینه بودند. اگرچه این دشمنی درونی بود، گاهی نمود آشکار می‌یافت، اما در اکثر مواقع منافقان برای مصلحت خود و به انتظار فرصتی مناسب، تظاهر به چیزهایی می‌کردند که نه باورش داشتند و نه انجام آن را می‌پسندیدند؛ بنابراین لازم است، دشمنی، فرصت‌طلبی و انگیزه ضربه‌زدن را جزو مؤلفه‌های اصلی معنای «نفاق» به‌شمار آورد. در دوران پس‌از اسلام، مفهوم نفاق و فسق بسیار به هم آمیخت و هر کس که ظاهر و باطن مخالف داشت، «منافق» نامیده می‌شد. با این تفاوت که اگرچه نفاق سبب فسق می‌شود، اما در زبان قرآن، هر فاسقی، منافق تلقی نمی‌شود؛ زیرا در کلام وحی، «منافق» کسی است که در درون مخالف پیامبر^(ص) و حکومت اسلامی است و در پی آن است تا طی موقعیتی مناسب، اندیشه خویش را عملی سازد و صرفاً به دلیل مخالفت درونی و تظاهر بیرونی، کسی وی را در زمره منافقان نمی‌داند (غفاری، ۱۳۸۴، ص ۲۳). براساس نوع نگرش منافقان به ارزش‌های دینی و تضاد ارزش‌های جامعه اسلامی با اندیشه‌ها و اهداف آنان، رفتار منافقان متفاوت است (Motamad Langrodi & Fattahizade, 2024, p121). باتوجه به تأثیر منافقان در جامعه دینی، تبیین رفتار و نیات آنان ضرورت دارد. باوجود پژوهش‌هایی که تاکنون براساس نظریات زبان‌شناسی شناختی بر روی کلام وحی انجام شده، اما به بررسی طرح‌واره‌های تصویری نیرو بر روی حوزه مفهومی نفاق پرداخته نشده است. شناخت چگونگی کاربست طرح‌واره‌های تصویری نیرو در آیات نفاق می‌تواند شیوه‌ای علمی را ارائه دهد که منجر به دستیابی به لایه‌های عمیق مفهوم انتزاعی نفاق می‌شود و در سایه‌سار بازخوانی نوین، معانی رساتر از آیات ارائه می‌دهد و پژوهشگران را در رسیدن به مقصود گوینده و کشف بطون و سطوح معانی آیات یاری می‌رساند؛ براین اساس می‌توان به ترجمه‌های بهتری از کلام وحی دست یافت. همچنین عینی‌سازی و ملموس کردن این پدیده پیچیده و نه‌چندان شفاف می‌تواند، اقدامی برای پرده‌برداری از چهره واقعی نفاق باشد. رهروان طریق حقیقت را هدایت و از عوامل هلاکت‌زا نجات بخشد. ضمن اینکه الگویی برای برخورد با جریان‌های

اجتماعی مشابه در جامعه ارائه دهد و از ضررهای احتمالی ناشی از آن جلوگیری به عمل آورد.

روش انجام این پژوهش به صورت گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، نرم‌افزاری است. مراحل انجام آن نیز به شرح ذیل است:

مطابق طرح‌واره‌های تصویری نیرو «مدل جانسون» در کل متن عربی کلام وحی، آیات حوزه مفهومی نفاق در قالب (واژگانی، مضمونی و دستوری) مطالعه و قریب ۱۳ طرح‌واره نیرو از آن‌ها استخراج شد. نکته شایان ذکر اینکه تحلیل داده‌ها صرفاً بر مبنای متن عربی آیات قرآن کریم بوده، اما برای بهره‌وری اغلب مخاطبان، ترجمه فارسی آن نیز ذکر شده است. به منظور بیان ترجمه آیات بر اساس طرح‌واره‌های تصویری، گزینشی از بین چند ترجمه انجام گرفته و ترجمه‌ای انتخاب شده است که به لحاظ شناختی برای آن آیه مناسب‌تر باشد. لکن به دلیل عدم تحلیل ترجمه فارسی آیات، همچنین ضیق مجال، ارجاع به مترجمان ذکر نشده است. آیاتی که در بردارنده واژه‌های کلیدی بوده‌اند، با استناد به فرهنگ‌های لغت العین فراهیدی، مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی، مقدمه‌الأدب زمخشری، لسان‌العرب ابن‌منظور، الإفصاح موسی، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم مصطفوی، قاموس قرآن قرشی و تفاسیر معتبر مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن طبرسی، جوامع‌الجامع طبرسی، المیزان فی تفسیر القرآن طباطبایی و تفسیر مخزن‌العرفان در علوم قرآن بانو امین استخراج شده‌اند. قابل ذکر است که در این پژوهش گاهی برای بررسی طرح‌واره‌ها، آیات تقطیع شده است. در پایان زیرمجموعه‌های معرفی‌شده برای مقوله کلی طرح‌واره نیرو در آیات نفاق تعیین شده و بعد از آمارگیری، به منظور سهولت بهره‌برداری، نتایج حاصل از آن در جدول و بر روی نمودار نشان داده شده است.

پژوهش حاضر به پرسش‌های ذیل پاسخ می‌دهد:

الف. کدام طرح‌واره‌های نیروی معرفی‌شده در معنانشناسی شناختی «مدل جانسون» در آیات نفاق به کار رفته است؟

ب. بالاترین فراوانی طرح‌واره‌های نیرو و کاربست آن در مفهوم‌سازی و درک مفهوم نفاق چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

از جمله تحقیق‌هایی که تاکنون در مورد طرح‌واره‌های تصویری نیرو در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی انجام گرفته است، عبارتند از: ۱. «طرح‌واره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن کریم را براساس مدل جانسون با رویکرد شناختی»، توسط توکل نیا و حسومی (۱۳۹۵) بررسی شده‌اند.^۱ طرح‌واره‌های بررسی شده در این پژوهش شامل: طرح‌واره‌های جهتی، مهارشدگی، حرکتی، نیرو، همسانی و موجودیت هستند. با این شیوه مفاهیم انتزاعی برای مخاطبان ملموس و محسوس شده است؛ ۲. قائمی و ذوالفقاری در سال (۱۳۹۵) طرح‌واره‌های تصویری قرآن کریم در حوزه «زندگی به مثابه سفر» را بررسی و تحلیل کرده‌اند.^۲ آنان طی این پژوهش ضمن مشخص کردن طرح‌واره‌هایی که در حوزه مفهومی زندگی دنیا و آخرت از بیشترین بسامد برخوردارند، به بررسی استعاره مفهومی «زندگی سفر است» نیز در قرآن کریم پرداخته‌اند. این دو محقق دریافتند که استعاره مفهومی «سفر» به روش خلّاقانه‌ای در کلام وحی موجود است به این دلیل که تقابل میان زندگی پیش از مرگ و پس از آن برشی ایجاد می‌کند؛ ۳. سلیمی و علی‌نجاج در سال (۱۳۹۶) به واکاوی مفهوم‌سازی آیات قرآن کریم در حوزه اخلاقی - تربیتی پرداختند. آنان از این روش الگویی جامع را از انسان کامل و مشخصه‌های آن ارائه داده‌اند؛^۳ ۴. کریمی بروجنی و همکاران در سال (۱۳۹۶) «طرح‌واره‌های نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن» را بازنمایی کرده‌اند.^۴ در این تحقیق، حالات هفتگانه طرح‌واره نیرو براساس رویکرد شناختی در مفهوم‌سازی حوزه‌های مفهومی فضایل و رذایل اخلاقی در قرآن کریم بررسی شده است. نتایج نشان

۱. توکل نیا، مریم و حسومی، ولی الله، ۱۳۹۵، تفسیر پژوهی، ۳(۵)، صص ۴۶-۷۹.

۲. قائمی، مرتضی و ذوالفقاری، اختر (پاییز ۱۳۹۵)، طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۴(۳)، صص ۱-۲۲.

۳. سلیمی، سیده فاطمه و علی نجاج، زهرا (زمستان ۱۳۹۶)، کارکرد طرح‌واره‌های تصویری در مفاهیم تربیت اخلاقی قرآن، سراج منیر، ۸(۲۹)، صص ۵۷-۸۵.

۴. کریمی بروجنی، مدینه؛ قائمی، مرتضی و پورابراهیم، شیرین (اسفند ۱۳۹۶)، پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۹(۲)،

می‌دهد هفت تا از رایج‌ترین ساختارهای نیرو در زیرساخت استعاره‌های قرآنی ملاحظه می‌شود و الگویی مناسب برای بررسی آنهاست؛ ۵. آبادی و همکاران در سال (۱۳۹۹) به تحقیق طرح‌واره‌های تصویری شیطان در قرآن کریم با رویکرد شناختی پرداخته‌اند و تأثیر شیطان در هدایت و ضلالت را براساس مقوله حرکت در کلام وحی بررسی کرده‌اند.^۱ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم با بهره‌جستن از تجربه‌های نامطلوب انسان، تصویر منفی در اذهان و جامعه به‌وجود می‌آورد که از گرایش سوی شیطان جلوگیری به‌عمل می‌آورد.

مشاهده می‌شود تاکنون پژوهش‌هایی در خصوص طرح‌واره‌های تصویری نیرو با نگاه شناختی بر روی کلام وحی صورت گرفته است، اما تحقیقی مستقل در حوزه مفهومی نفاق و بازتاب آن در طرح‌واره‌های تصویری نیرو با رویکرد شناختی انجام نشده است. در این پژوهش، موضوع «نفاق» به‌شیوه‌ای جامع بررسی و تحلیل شده و پس از بسامدگیری در قالب جدول و نمودار ترسیم گشته است تا قرآن‌پژوهان و محققان با دستیابی به معنایی رساتر از «نفاق» به درک بهتر و ترجمه‌ای شیواتر و شرحی بهتر از کلام وحی برسند و از این طریق مفهوم انتزاعی نفاق به‌خوبی تبیین شود و از خطر هلاکت انسانیت و انحطاط دینی و فساد در جامعه اسلامی ممانعت به‌عمل آید. علاوه بر آن با جلوگیری از انحراف سوی رذیلت، سبب هدایت امت اسلامی شود و مروج الگویی زیبا برای سبک زندگی قرآنی باشد که عالی‌ترین نتیجه آن قرب به حق تعالی است.

۳. مبانی نظری

زبان‌شناسی شناختی ریشه در علوم شناختی دارد و در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت (Evans & Green, 2006, p3). این گرایش جدید زبان‌شناسی، رویکردی است که به زبان به‌عنوان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌نگرد. در این رویکرد، زبان نمودی از نظام تصویری

۱. آبادی، فاطمه؛ افراشی، آریتا؛ فتاحی زاده، فتحیه، (بهار ۱۴۰۱)، تحلیل تأثیر طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن کریم: رویکرد شناختی، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۱۵.

ذهنی است (داودی و جلالی کندی، ۱۳۹۹، ص ۹۲). به عبارتی زبان‌شناسی شناختی نگرشی دیگرگونه به زبان است که در آن قدرت زبان انسان، متفاوت از سایر توانمندی‌های شناختی وی نیست؛ بلکه شهود و تجربیات منحصربه‌فرد هر انسانی از جهان و محیط اطرافش بیانگر درک وی از آن است و منجر به مفهوم‌سازی‌ای می‌شود که مختص اوست. زبان‌شناسی شناختی شامل دو بخش معنی‌شناسی شناختی و رویکردهای شناختی به دستور زبان است (Evans, 2007, p 22). بخش اصلی زبان‌شناسی شناختی بر معنی‌شناسی شناختی متمرکز است (Croft & Cruse, 2004, p 1). بر اساس نظریه معنی‌شناسی شناختی، معنای زبانی به‌مثابه تجلی‌گاه ساختار مفهومی^۲ است. ساختار مفهومی، سازمان بازنمایی ذهنی^۳ است. طرح‌واره‌های تصویری از همان ابتدا در معنی‌شناسی شناختی مطرح شد. جانسون (1987) استدلال می‌کند که طرح‌واره‌های تصویری از تجربه‌های بدن‌مند درون نظام مفهومی ایجاد می‌شوند (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲، صص ۲۲-۴۷). از دیدگاه وی طرح‌واره‌های تصویری الگوهای تکرار شونده و پویایی هستند که از برهم‌کنش‌های شناختی انسان نشئت می‌گیرند و سبب می‌شود تا درک و تجربه‌هایش ساختاری منسجم و مقوله‌بندی شده بیابند (Johnson, 1987, p 29). منظور از تکرار شوندگی تجربیاتی که موجب شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری می‌شوند، این است که اعمال بدنی و حسی حرکتی روزمره که تضمین‌کننده بقاء هستند، مانند: نشستن، راه رفتن، دویدن، حمل کردن، هل دادن و ... سبب شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری می‌شود؛ این اعمال را هم به صورت تکراری انجام می‌دهیم و هم شاهد تکرار آن در سایر افراد هستیم (افراشی، ۱۳۹۵، ص ۵۲). مارک جانسون، از بین انواع طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره‌های نیرو را به‌عنوان طرح‌واره‌ای اصلی معرفی کرد؛ زیرا نیرو همه جا هست. هر رخدادی که انسان در آن دخیل است، عمدتاً متشکل از نیروهایی در عمل است. واقعیت روزمره انسان

¹ .Conceptual system.

² . Conceptual structure .

³ . Mental representation.

یک سری از توالی‌های علیّی توأم با نیروست. این نیروها ساختارهایی دارند که تجربه‌های بامعنی، سازمان‌یافته و منسجم او را تشکیل می‌دهد. تجربه‌هایی که می‌تواند در آگاهی و فهم کارآمد باشد و درباره آن‌ها استدلال کرد یا در زبان برای برقراری ارتباط از آن‌ها بهره جست. طرح‌واره‌های نیرو از ویژگی‌های مشترک زیر برخوردارند:

۱. نیرو همواره از طریق برهم‌کنش^۱ تجربه می‌شود؛
 ۲. نیرو یک کمیّت برداری^۲ جهت‌دار است؛
 ۳. معمولاً یک تک مسیر حرکت وجود دارد. این مسیر وابسته به کیفیت بردار حرکت توأم با نیرو است؛
 ۴. نیروها منبع یا مبدأ^۳ دارند و به دلیل جهت‌دار بودن، کنشگران می‌توانند آن‌ها را سوی هدف^۴ هدایت کنند؛
 ۵. نیروها درجات قدرت یا شدّت دارند؛
 ۶. باعنایت به اینکه نیرو از طریق برهم‌کنش احساس می‌شود، همیشه یک ساختاری یا دنباله‌ای از علیّت^۵ در آن دخیل است.
- این شش مورد، ساختار عام گشتالت نیرو را تشکیل می‌دهند. «ساختار گشتالت» یک کلّ واحد سازمان‌یافته در تجربه و فهم است که یک الگوی قابل تکرار را متجلی می‌سازد (Johnson, 1987, p 40-46)

۴. تحلیل داده‌های آیات نفاق در قرآن کریم بانکیه بر طرح‌واره‌های

تصویری نیرو

در این پژوهش آیات نفاق با رویکرد معنی‌شناسی شناختی تحلیل شده است. علّت انتخاب این حوزه مفهومی، اهمّیّت موضوع و وجود طرح‌واره‌های تصویری نیرو در آن بوده است. عبارتهای زبانی دربردارنده طرح‌واره نیرو در واحدهای مضمونی،

^۱ . Interaction.

^۲ . Vector.

^۳ . Source/ Origion.

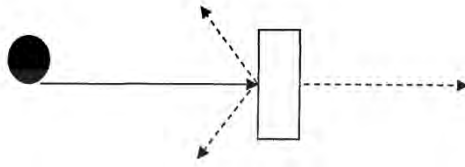
^۴ . Target.

^۵ . Structure or sequence of causality.

واژگانی و دستوری استخراج و تحلیل شده است. مبنای تحلیل آیات صرفاً متن عربی است. آنگاه پس از بسامدگیری، در جدول و بر روی نمودار مشخص شد. نیروها همه جا هستند. این نیروها ساختارهایی دارند که تجربه‌های منسجم و بامعنی انسان را تشکیل می‌دهند. تجربه‌هایی که می‌توان در آگاهی و فهم از آن‌ها استفاده کرد و در زبان به‌منظور برقراری ارتباط از آن‌ها بهره جست. طرح‌واره‌های نیرو می‌توانند، به انواع گوناگون به‌وقوع بپیوندند (Ibid). طرح‌واره‌های هفتگانه نیرو که جانسون از آن‌ها نام برده است، عبارتند از: «الزام/ اجبار»، «انسداد/ مانع»، «حذف محدودیت/ رفع مانع»، «توانایی»، «جذب/ کشش»، «انحراف/ تغییر مسیر»، «نیروی متقابل» (Ibid). نیروها شامل توالی‌ای از علیت، مبدأ، مقصد، بردار نیرو و مسیر حرکت هستند (Evans & Green, 2006, p 187-190). طرح‌واره تصویری نیروی نفاق در قالب واژگانی، مضمونی و دستوری مطابق الگوی جانسون حدود ۱۳ مورد در قرآن کریم مشاهده شد که شامل طرح‌واره‌های «انسداد/ مانع»، «نیروی متقابل»، «انحراف/ تغییر مسیر»، «الزام/ اجبار» و «توانایی» بوده است. در ذیل به تعریف، تبیین و تحلیل هریک از این طرح‌واره‌ها با ذکر آیات مرتبط پرداخته شده است.

۴-۱. طرح‌واره مانع / انسداد

انسان در تلاش خویش به‌منظور تعامل همراه با نیرو با اجسام و اشخاص پیرامونش، غالباً با موانعی برخورد می‌کند که در برابر نیروی وی مقاومت می‌کنند. مانند زمانی که کودک می‌آموزد، چهار دست‌وپا برود، با دیواری برخورد می‌کند که مانع پیش رفتن در آن سو می‌شود. کودک یا باید توقف کند و از ادامه اعمال نیرو در جهت نخستین دست بردارد یا باید جهت اعمال نیرو را تغییر دهد. همچنین می‌تواند سعی کند از روی مانع رد شود یا وقتی نیروی کافی وجود دارد، از داخل آن عبور کند. تجربه مانع (انسداد) شامل الگویی است که بارها و بارها در روزمره زندگی تکرار می‌شود. گشتالت مربوط را می‌توان در ادامه به‌شکل بردار نیرویی نمایش داد که با مانع برخورد می‌کند و سپس جهت‌های ممکن دیگری اختیار می‌کند (Johnson, 1987: p 46).



شکل ۱. طرح‌واره انسداد (مانع)

براساس تحقیق انجام‌شده، هفت‌مورد طرح‌واره انسداد (مانع) در آیات نفاق مشاهده شده است که عبارتند از:

- «... إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَادِبُونَ؛ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (المنافقون: ۲۱). «... خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند. سوگندهای خود را [همچون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اند راستی که آنان چه بد می‌کنند».

واژه «ایمان» جمع «یمین» در لغت به معنی «سوگند» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۶۲)؛ «جُنَّةً» به معنی «سپر» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۱) و فعل «صَدَّ» به معنی «جلوگیری کرد؛ بازداشت» (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴) است. وجه تناظر «سپر» و «سوگندهای منافقان» را می‌توان در این دانست: به‌سان «سپر» که دو مفهوم را دربردارد: حفظ جان و مانع‌شدن از تعدی غیر، منافقان نیز از شهادتین دروغین خود دو منظور دارند: یکی آنکه به اظهار شهادتین، جان و مالشان در امان قرارگیرد و دیگر آنکه به‌مثابه سپری باشد تا به‌وسیله آن راه خدا را بر افراد ببندند (امین، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۱۸). در این کلام وحی، ردپایی از مانع در مسیر حق مشهود است که از تجربه بدنمندی در زندگی، مواجه‌شدن با عامل فیزیکی «سپر» در مسیر و برخورد با این مانع حاصل می‌شود که در آیه فوق به سوگند منافقان تعمیم داده شده است.

- «... إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَادِبُونَ؛ ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (المنافقون: ۳۱). «... خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره،

سخت دروغگویند. ... این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند».

«ذَلِکَ» اشاره به زشتی اعمال منافقان دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۲۷۹). فعل مجهول «طَبِعَ» یعنی «مهرگذارده شد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۱۵). قلب انسان در اصل خلقت دارای دو وجه است؛ وجهی روبه عالم ملکوت و ملائکه دارد و وجهی روبه سوی علم شیطان. اگر آن وجه ملکوتی قوت گیرد، قلب وی عرش الرَّحْمَن و محل تردد ملائکه می‌شود و اگر وجه طبیعی غالب شود، شیاطین بر او غلبه می‌یابند و وسوسه‌های نفسانی او را به فساد و اعمال زشت وامی‌دارد. در این آیه «مُهر زدن یا ختم‌زدن» بر قلب منافقان موجب بسته‌شدن راه قلب آنان به عالم ملکوت و ملائکه می‌شود (امین، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۱۹ و ۳۲۰) و نشانه (علامتی) است که موجب تمیز بین منافقان و مسلمانان حقیقی توسط فرشتگان می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۴۳۹). در بافت متنی کلام مذکور، طرح‌واره انسداد (مانع) مشهود است. حقیقت ملموس «مُهر گذاردن» در تجربه زندگی به مفهوم انتزاعی ویژگی منافقان گسترش معنی یافته است.

«وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ» (التوبة: ۵۴). «و هیچ چیز مانع پذیرفته‌شدن انفاق‌های آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با [حال] کسالت نماز به‌جا نمی‌آورند و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند».

فعل «مَنَعَ» در لغت یعنی «بازداشت، نپذیرفت» (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱). مادّی‌سازی عواملی مانند «کفر به خدا و رسول (ص)» و «به نماز جماعت با حالت کسالت شرکت کردن» و «با کراهت انفاق کردن» که نشئت‌گرفته از نفاق منافقان است، نیرویی را از مقابل بر منافقان وارد می‌سازد که مانع پذیرش نفاق آنان می‌شود؛ بدین ترتیب در آیه مذکور واژه «مَنَعَ» به‌همراه این عوامل سه‌گانه طرح‌واره انسداد را نمایش می‌دهد.

از دیگر آیاتی که در آن طرح‌واره انسداد مشهود بوده، «البقرة: ۲۰۶» و «التوبة: ۵۳» است که به‌دلیل وجود طرح‌واره ترکیبی در این دو بافت، در قسمت

طرح‌واره‌های نیروی «انحراف/تغییر مسیر» و «الزام/اجبار» به آن‌ها پرداخته شده است.

۴-۲. طرح‌واره نیروی متقابل

یکی دیگر از انواع طرح‌واره نیرو، طرح‌واره «نیروی متقابل» است. در این نوع طرح‌واره دو نیروی معین و با شدت یکسان به هم برخورد می‌کنند. نجات‌یافتگان برخورد‌های دو اتومبیل از روبه‌رو، معنی این ساختار خاص نیرو را خوب می‌شناسند. نیروهای F_1 و F_2 دو نیروی متقابلند. این طرح‌واره در ذیل معرفی شده است (Johnson, 1987: p 46).



شکل ۲: طرح‌واره نیروی متقابل

در آیات نفاق دومورد طرح‌واره نیروی متقابل مشخص شده است. مثال:

«أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ... وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ، اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ...» (البقرة: ۱۲، ۱۴ و ۱۵). «به هوش باشید که آنان فسادگراند لیکن نمی‌فهمند... و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: ایمان آوردیم و چون با شیطان‌های خود خلوت کنند می‌گویند در حقیقت ما با شما هستیم ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم. خدا [است که] ریشخندشان می‌کند...».

این آیات به بیان وضع منافقان می‌پردازد. منظور از شیاطین در این آیات، متمولان و رؤسای منافقان هستند. همان‌طور که درست نیست کار هجو را به خدا نسبت داد، نمی‌شود نسبت «سخریه کردن» به خداوند داد؛ زیرا ذات کبریایی حق تعالی بالاتر از آن است که متلون شود به اموری که از نقائص بشری است. احتمال می‌رود، اینکه خداوند رؤسای منافقان را به شیاطین نام می‌برد، به سبب مکر و خدعه و تدلیس آنان باشد. صاحب مخزن‌العرفان گوید: ممکن است، مقصود از استهزاء خداوند همان عکس‌العمل منافقان باشد که به خود آن‌ها برمی‌گردد

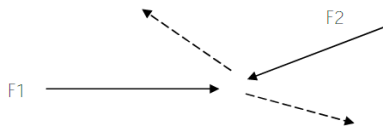
(امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۳ و ۱۳۴). تجربه دو نیروی برابر در مقابل هم در زندگی روزمره سبب ساخت طرح‌واره نیروی متقابل در ذهن می‌شود. طرح‌واره نیروی متقابل در آیه فوق به مفهوم انتزاعی نفاق و خوی نشئت‌گرفته از آن (مسخره کردن) و عکس‌العمل ناشی از این تمسخر تعمیم یافته است. این آیه اشاره دارد به اینکه در مقابل قدرت منافقان، قدرت خداوند است.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ...» (النساء: ۱۴۲). «منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد...».

«خدعه» یعنی «فریب» و «کارهای زشت و پلید» را نیز خدعه می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۶). منظور از خدعه با خدا، خدعه با پیامبر خدا (ص) و دوستان خداست (امین، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۰). جمله (وَ هُوَ خَادِعُهُمْ) جمله حالیه است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۱۷). منافقان به گمان خودشان با خداوند خدعه می‌کنند؛ به این معنا که تظاهر به ایمان می‌کنند و کفر خود را پنهان می‌دارند؛ در حالی که خداوند با آنها همچون شخص چیره‌دست، در خدعه رفتار می‌کند، چنانکه در دنیا جان و مالشان را محفوظ می‌دارد، اما در آخرت قعر دوزخ را برای آنان مهیا ساخته است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۷). ملاحظه می‌شود که در مقابل قدرت منافقان، نیرو و قدرت خداوند وجود دارد. در این بافت کلامی، طرح‌واره متقابل مشهود است که از تجربه‌های زندگی روزمره در رویارویی دو نیروی یکسان استفاده می‌شود و به موارد انتزاعی به عمل خدعه‌گری منافقان و عکس‌العملی که در مقابل آن وجود دارد، گسترش معنی یافته است.

۴-۳. طرح‌واره انحراف / تغییر مسیر

گونه دیگر از طرح‌واره نیرو حالتی است که در آن بردار نیرو بر اثر برخورد با دو یا چند بردار نیرو تغییر مسیر می‌دهد. به‌عنوان مثال اگر قایقی با زاویه‌ای متمایل به جهت باد پارو زده شود، بدون اینکه قایق‌ران پارو زدن خود را جبران کند و پیش‌از اینکه متوجه شود، بردار نیروی اولیه خود را از دست خواهد داد. طرح‌واره‌ای که در زیر آورده شده است، دو نیروی برخوردکننده و تغییرات حاصل در بردارهای نیرو را نشان می‌دهد (Johnson, 1987, p 46).



شکل ۳: طرح‌واره انحراف (تغییر مسیر)

مطابق بررسی به عمل آمده، طرح‌واره‌های نیروی «انحراف / تغییر مسیر» در مفهوم‌سازی نفاق در آیات قرآن کریم در دو آیه مشهود بوده است. شاهد:

در کلام وحی در بیان یکی از نشانه‌های منافقان آمده است: «...وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (النساء: ۱۴۳). «...و هرکه را خدا گمراه کند هرگز، راهی برای [نجات] او نخواهی یافت». «سبیل» در لغت به معنی راهی نرم و هموار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۹۵). بر اثر اعمال منافقان، خداوند حمایتش را از آنان برداشته است و این نیروی قهر الهی برایشان گمراهی و سرگردانی را به همراه داشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۵، ص ۱۱۷). طرح‌واره نیروی تغییر مسیر قابل‌تعمیم به مفهوم انتزاعی است؛ منافقان به دلیل ضلالت و گمراهی که در عبارت (وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ) مشهود است از مسیر مستقیم منحرف شده‌اند و باتوجه‌به عبارت (فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا) هرگز سبیل (راه هموار و مستقیم) را نمی‌یابند و به ثبات و آرامش نمی‌رسند.

- «قُلْ أَنْفِقُوا [الْمُنَافِقِينَ] طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (التوبة: ۵۳). «[به منافقان] بگو چه به رغبت چه با بی‌میلی انفاق کنید هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد چراکه شما گروهی فاسق بوده‌اید».

واژه «فسق» برای گناهان اعم از کم یا زیاد به کار می‌رود، اما معمولاً گناهان زیاد را دربرمی‌گیرد. «فسق» کسی است که ابتدا به انجام حکم شرع ملزم شده و به آن اعتراف و اقرار کرده است، اما پس از مدتی به الزام و اقرار خود وفا نمی‌کند. هرگاه این واژه به کافر واقعی نسبت داده شود، به این دلیل است که از آنچه عقل و فطرت به آن حکم می‌کند، سرپیچی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ج ۶،

ص ۶۳۶). بنابراین در قرآن کریم به معنی «خروج از مقررات دینی، عقلی یا طبیعی» است (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ج ۹، ص ۹۷). در آیه مذکور ضمن اینکه فسق (گناه) مانع پذیرش انفاق منافقان می‌شود و طرح‌واره انسداد را نمایش می‌دهد، طرح‌واره انحراف از مسیر نیز در معنی لغوی «فسق» مشهود است که در انحراف منافقان مؤثر است. همچنین هشدار می‌دهد برای مخاطبان؛ بر این اساس در آیه مذکور طرح‌واره ترکیبی انحراف (تغییر مسیر) و انسداد (مانع) وجود دارد.

۴-۴. طرح‌واره الزام / اجبار

این طرح‌واره از تجربه رانده شدن توسط نیروهای خارجی مثل: باد، آب، اجسام فیزیکی و افراد دیگر حاصل می‌شود. گاهی این نیرو به گونه‌ای است که شخص یارای مقابله با آن را ندارد و در جهتی رانده می‌شود که ممکن است، خود مایل نباشد. گاهی این نیرو وحشتناک است. مثل زمانی که جمعیت از کنترل خارج می‌شود. در سایر موارد، می‌توان نیرو را خنثی کرد یا تغییر داد. در این نوع موارد، نیرو از جایی می‌آید، اندازه معینی دارد، در مسیری حرکت می‌کند و دارای جهت است. در زیر طرح‌واره الزام ارائه شده است. پیکان کامل، بردار نیروی واقعی و پیکان گسسته، برداری از نیروی بالقوه را نشان می‌دهد (Johnson, 1987, p 45).



شکل ۴: طرح‌واره الزام / اجبار

بر اساس تحقیق به عمل آمده در آیات نفاق یک (۱) مورد طرح‌واره نیروی الزام وجود دارد. شامل:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ... وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ...» (البقرة: ۲۰۴ و ۲۰۶).
 « و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد و حال آنکه او سخت‌ترین

دشمنان است ... و چون به او گفته شود از خدا پروا کن نخوت وی را به گناه کشاند ...».

«إِثْم» در لغت به معنی «گناه» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵). در آیات مذکور به صفات منافقان اشاره شده و از آنان به «الَّذُ الْخِصَام» یاد شده است. «الَّذُ» جمع «لُدُّ» یعنی «دشمنی که به شدت به خود بالنده و مغرور است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۳۹). صاحب المیزان گفته است: کلمه «الَّذُ» افعال التفضیل از «لُدُّ و لدودا» أخذ شده است. خصام جمع خصم است و «الَّذُ الْخِصَام» یعنی «سخت‌ترین و بدترین دشمنان» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۹۶). کلمه «تَقْوَى» در اصل «وَقْوَى» است. «واو» به «تا» عوض شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ص ۴۰۲) معنی لغوی «تَقْوَى»، «خشیت» است. «تَقْوَى اللَّهِ» یعنی «خشیت و خوف از خداوند، فرمان برداری از اوامر الهی و دوری از نواهی او» (موسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۱۷۰). طرح‌واره در مقوله‌های واژگانی و دستوری نیز مشهود است (Langacker, 2008, p 56-57). در زبان انگلیسی افعال امر دربردارنده محتوای طرح‌واره نیرو هستند (Takahashi, 2012, P 4). در ادامه آیه، ملاحظه می‌شود که منافق مأمور به تقوا می‌شود و به خشیت در برابر خداوند امر می‌شود. این صیغه امر قرآنی، قابل انطباق با must در زبان انگلیسی و «باید» در زبان فارسی هستند. به زبان استعاره‌ای احساس فشاری که در مخاطبان هنگام امر الهی برای تقوای پیشگی دست می‌دهد، به مثابه نیرویی است که آنان را به تقوای الهی می‌راند و این نیرو با بهره‌گیری از تجربه ناشی از پدیده‌های مادی مانند تجربه رانده شدن به واسطه نیروهای خارجی، اجسام فیزیکی یا دیگران ملموس و قابل ادراک است و طرح‌واره الزام (اجبار) را در ذهن ترسیم می‌کند. در کلام فوق «بِالْإِثْمِ» متعلق به «الْعِزَّة» است. متأسفانه منافقان غافلند از اینکه عزت مطلق صرفاً از ناحیه خداوند متعال است؛ لذا عزتی که با گناه و نفاق کسب کرده و دل خود را بیمار ساخته‌اند، سبب نخوت و غرور در آن‌ها می‌شود و این غرور به مثابه مانعی راه رسیدن آنان به سوی تقوا را مسدود می‌سازد؛ بدین ترتیب در این بافت، طرح‌واره ترکیبی «الزام/ اجبار» و «انسداد/ مانع» مشهود است.

۴-۵. طرح‌واره توانایی

تجربه‌هایی که انسان از طریق آن می‌تواند از وجود احساس توانایی یا عدم آن برای انجام یک کنش آگاه شود، موجب خلق طرح‌واره توانایی در ذهن می‌شود. به‌عنوان مثال شخص احساس می‌کند، توانایی بلندکردن یک بچه، پاکت‌های خرید و جاروبرقی را دارد، اما نمی‌تواند یخچال یا جلوی ماشین را بلند کند. باوجود اینکه در این نوع طرح‌واره هیچ بردار نیروی واقعی وجود ندارد، می‌توان آن را جزء طرح‌واره نیرو تلقی کرد؛ زیرا بردارهای نیروی بالقوه و جهت‌مندی^۱ معین (مسیر بالقوه حرکت) وجود دارند. یعنی شخص احساس می‌کند، قدرت بلندکردن صندلی از گوشه اتاق را دارد یا می‌تواند شانه را بالای سر خود ببرد و موهایش را شانه بزند این نوع طرح‌واره، صرفاً با نیروی بالقوه و عدم مانع یا نیروی متقابل بازنمایی می‌شود (Johnson, 1987, p 47).

شکل ۵: طرح‌واره توانایی

در شواهد قرآنی مفهوم سازی نفاق یک (۱) مورد طرح‌واره نیروی توانایی ملاحظه شده که عبارت است از:

«... اللَّهُ ... يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (الأحزاب: ۲۴). «... خدا ... منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است».

«شَاءَ» از مصدر «شَاءَ» به معنی خواستن و اراده کردن است (قُرْشِي، ۱۳۷۱؛ ج ۴، ص ۹۱). کلام فوق به قدرت و توانایی خداوند متعال اشاره دارد و اینکه حتی منافقان هم نباید از کرم حضرت حق ناامید شوند (امین، بی تا: ج ۱۰، ص ۲۱۵)؛ زیرا این آیه مجازات منافقان را موکول به مشیّت و اراده الهی می‌کند که هم قدرت و توانایی عذاب آنان را دارد و هم این توانایی را دارد که به مقتضای آمرزندگی، رحمت

¹ . Girectedness.

مطلقه و مصلحتش آنان را ببخشد و توبه آنان را بپذیرد و عذاب را از آنان رفع کند؛ می‌توان گفت که گفتمان فوق ذهن را سوی طرح‌واره نیروی توانایی سوق می‌دهد.

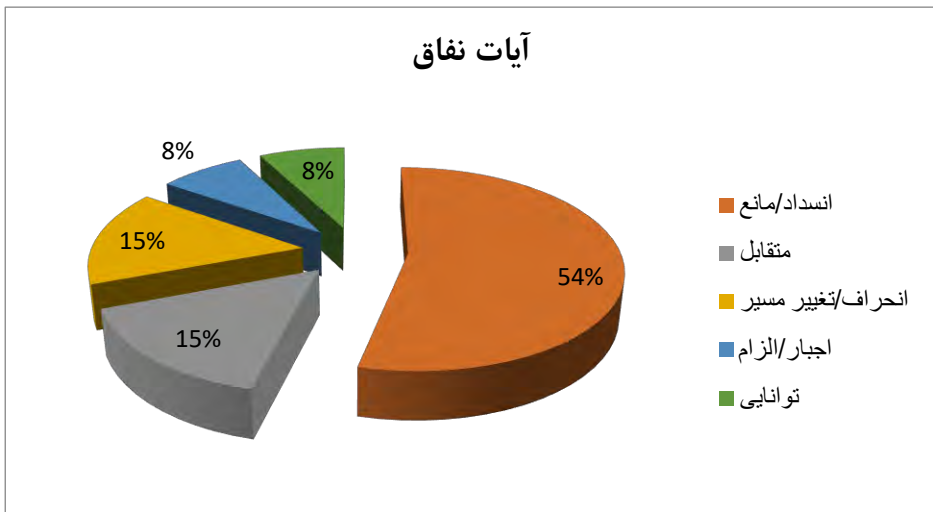
• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ذیل نسبت و تحلیل آماری طرح‌واره‌های تصویری نیروی نفاق در کلام وحی مطابق الگوی جانسون با رسم جدول و نمودار معرفی و با بهره‌گیری از قسمت پیشین نتیجه‌گیری می‌شود:

جدول: انواع طرح‌واره‌های تصویری نیروی نفاق در قرآن کریم

آیات نفاق		طرح‌واره‌های تصویری نیرو
درصد	تعداد	
۵۴٪	۷	مانع / انسداد
۱۵٪	۲	متقابل
۱۵٪	۲	انحراف / تغییر مسیر
۸٪	۱	الزام / اجبار
۸٪	۱	توانایی
۱۰۰٪	۱۳	مجموع

نمودار: درصد طرح‌واره‌های تصویری نیروی نفاق در قرآن کریم



مطابق جدول و نمودار مذکور آمار طرح‌واره‌های تصویری نیروی نفاق به تفکیک زیر است:

▪ در شواهد قرآنی مورد مطالعه رذیلت اخلاقی «نفاق» حدود سیزده طرح‌واره تصویری نیرو استخراج شد که از این بین هفت طرح‌واره انسداد/مانع (حدود ۵۴٪)، دو طرح‌واره متقابل (حدود ۱۵٪)، دو طرح‌واره انحراف/تغییر مسیر (حدود ۱۵٪)، یک طرح‌واره اجبار/الزام (حدود ۸٪)، یک طرح‌واره نیروی توانایی (حدود ۸٪).

▪ طرح‌واره رفع محدودیت در آیات نفاق مشهود نیست؛ زیرا این نوع طرح‌واره نقش فضایل اخلاقی را به‌عنوان علت (منبع نیرو) در رفع موانع سدّ راه هدایت مشخص می‌سازد؛ حال آنکه در آیات نفاق صرفاً ناهنجاری‌های اخلاقی مشهود بوده است.

▪ طرح‌واره جذب (کشش) در آیات نفاق وجود ندارد؛ زیرا در بافت متنی آیات به‌لحاظ زبان‌شناسی شناختی کشش و جذب سویی نفاق یا منافقان مشهود نیست.

▪ بسامد بالای طرح‌واره تصویری نیروی انسداد در حوزه مفهومی نفاق و رذایل اخلاقی ناشی از آن می‌تواند، توجیه شناختی داشته باشد؛ زیرا این طرح‌واره نقش ناهنجاری‌های اخلاقی را در ترک محرّمات پررنگ می‌سازد.

▪ طرح‌واره انسداد در رذیلت اخلاقی نفاق در کلام وحی در عبارات «جُنَّة»، «فَصَدَّوْا»، «مَنْعَ»، «طَبِيعَ» و «لَنْ تَقْبَلَ» مشهود است.

▪ از جمله عواملی که مانع پذیرش انفاق منافقان می‌شود، عبارتند از: فسق، کافر شدن به خدا و رسولش، نماز را با کسالت به‌جا آوردن و با کراهت انفاق کردن.

▪ طرح‌واره انسداد همچنین توسط مفهوم انتزاعی غرور و نخوت ناشی از گناه دوررویی معرفی شده که مانع راه رسیدن منافقان به سوی تقوای الهی است.

▪ طرح‌واره نیروی متقابل در آیات نفاق، براساس تقابل میان دو نیروی نفاق (باطل) و نیروی خداوند (حق) آمده و در دو آیه شکل گرفته است.

- در قلمروی اخلاقی، الزام یا اجبار فیزیکی وجود ندارد، بلکه به‌طور استعاره‌ای احساس برهم‌کنش‌ها و نیروهای فیزیکی بر روی قلمروی روان‌شناختی برهم‌کنش‌های اخلاقی نگاشته می‌شود که انتزاعی هستند.
- طرح‌واره انحراف (تغییر مسیر) در عبارت استعاره «ضلالت» و «فسق» ملاحظه می‌شود که سبب انحراف منافقان از سبیل «صراط مستقیم» است؛ لذا می‌توان زندگی منافقانه را زمینه‌ساز هلاکت این گروه فاسق دانست.
- طرح‌واره الزام (اجبار) در آیات نفاق، یک مورد بوده که در ساختار گرامری فعل امر قابل مشاهده است. جانسون معتقد است، زیربنای اصلی فعل امر، برگرفته از نیرویی است که نشئت گرفته از زندگی روزمره انسان است.
- تجربیات بدنی همراه با نیرو، ساختارهای طرح‌واره تصویری معنی را سبب می‌شوند. معنایی که می‌توان آن را تبدیل کرد، گسترش داد و به حوزه‌هایی از معنی تعمیم داد که وابستگی بدنی ندارند. مانند بررسی مفهوم انتزاعی نفاق.
- تشخیص مفاهیمی در قالب طرح‌واره‌ای که برای درک عمیق‌تر مفهوم انتزاعی نفاق در آیات قرآن کریم به کار رفته است و کشف بطون آیات، موجب دستیابی به مفهومی عمیق‌تر و معنایی رساتر از آیات در این زمینه می‌شود؛ بدین ترتیب مفهوم انتزاعی نفاق به صورت کاربردی تبیین می‌شود و می‌توان به ترجمه‌های بهتری از کلام وحی دست یافت. همچنین عینی‌سازی و ملموس کردن این پدیده پیچیده و نه‌چندان شفاف که در هر جامعه‌ای با آن مواجه هستیم، می‌تواند، اقدامی برای شناسایی این جریان باشد و از چهره واقعی آن که ممکن است خدشه‌ای به جامعه وارد کند، پرده بردارد و از ضررهای احتمالی ناشی از آن جلوگیری به عمل آورد.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.

۲. افراشی، آریتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. امین، سیده نصرت بیگم (بی‌تا). *تفسیر مخزن‌العرفان در علوم قرآن*. بی‌جا: بی‌نا.
۴. پاکتچی، احمد و افراشی، آریتا (۱۳۹۹). *رویکردهای معناشناختی در مطالعات قرآنی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات قرآنی - آوای خاور.
۵. داودی، عارفه و جلالی کندری، سهیلا (۱۳۹۹). بررسی طرح‌واره‌ای استعاره‌های «تقوا» در خطبه‌های نهج‌البلاغه بر مبنای مدل ایوانز و گرین. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* دانشگاه الزهراء (س). ۱۷ (۱). صص ۹۱-۱۲۵. DOI: 10.22051/TQH. 2020.28771.2656
۶. راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
۷. روشن، بلقیس؛ اردبیلی، لیلا (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. تهران: نشر علم.
۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶). *مقدمة الأدب*. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۹. صالح، احمد العلی (۱۳۸۱). *دولت رسول خدا*. مترجم: هادی انصاری. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: حوزه علمیّه قم - مرکز مدیریت.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

۱۳. غفاری، مهدی (۱۳۸۴). مطالعه معناشناختی نفاق در قرآن کریم. *نشریه پیام جاویدان*. شماره ۸. صص ۲۱-۳۸.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: نشر هجرت.
۱۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۷. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق). *الإفصاح فی فقه اللغة*. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۱۸. نرم افزار رایانه‌ای *جامع التفسیر* (۲۰۲۴). مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی.
۱۹. نرم افزار رایانه‌ای *قاموس النور* (۲۰۲۴). مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی.
20. Croft, W. & D.A. Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge university press.
21. Evanz, V (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics Glossaries in Linguistics*.
22. Evanz, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
23. Johnson, M. (1987). *The Body in Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. The University of chicago Press.
24. Langacker, R. W. (2008). *Cognitive Grammar: a basic instruction*. Oxford: Oxford University Press.
25. Motamad Langrodi, F. & F. Fattahizade. (2024). Typology of Hypocrites' Behaviors during the Expedition of Tabuk based on Surah al-Tawba. *Arastirma Makalesi/ Research Article*. Ankara Universitesi ilahiyat Fakuitiesi Dergisi. 65(1), pp. 121-148.
26. Takahashi, H. (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of the English Imperative: reference to Japanese Imperatives*, Amsterdam: john Benjamins.

Resources

- The Holy Quran. (In Arabic).
- 1. Ibn Manzūr, M. ibn Mukarram. (1993). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. (Original work published 1414 AH). (In Arabic).
- 2. Afrahshī, Āzītā. (2016). *Mabānī-ye Ma‘nāshināsī-yi Shinākhtī*. Tehran: Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm-e Insānī va Muṭāle‘āt-i Farhangī. (In Persian)
- 3. Amīn, Seyyedeh Noṣrat Bīgum. (n.d.). *Tafsīr -e- Makhzan al-‘Irfān fī ‘Ulūm-i Qur‘ān*. [Publisher and place unknown]. (In Persian).
- 4. Pākatchī, Aḥmad & Afrahshī, Āzītā. (2020). *Rūykard-hā-ye Ma‘nāshināsī dar Muṭāle‘āt-e Qur‘ānī*. Tehran: Pazhūhishgāh-e ‘Ulūm-e Insānī va Muṭāle‘āt-e Qur‘ānī – Āvā-ye Khāvar. (In Persian).
- 5. Davoodi, A. and Jalali kondori, S. (2020). A Schematic Study of the “Piety” (Taqwā) Metaphors in Nahj al-Balagha’s Sermons (Based on the Evans’s and Green’s model). *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 17(1), 91-125. doi: 10.22051/tqh.2020.28771.2659 (In Persian)
- 6. Rāghib al-Iṣfahānī, Muḥammad Ḥussayn. (1992). *Mufradāt Alfāz al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Qalam. (Original work published 1412 AH). (In Arabic)
- 7. Rushan, Belqeis & Ardebīlī, Līlā. (2013). *Muqaddamah-‘ī bar Ma‘nāshināsī-ye Shinākhtī*. Tehran: Nashr-e ‘Ilm. (In Persian).
- 8. Zamakhsharī, Maḥmūd ibn ‘Umar. (2007). *Muqaddamat al-Adab*. Tehran: Mu‘assasah-ye Muṭāle‘āt-i Islāmī (University of Tehran) (In Arabic)
- 9. Ṣāliḥ, Aḥmad al-‘Alī. (2002). *Dawlat-e Rasūl-e Khudā [The State of the Prophet of God]* (H. Anṣārī, Trans.). Research Center of Islamic Seminary and University. (Original work published in Arabic). (In Persian)
- 10. Ṭabāṭabā‘ī, Muḥammad Ḥussein. (1970). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Beirut: Mu‘assasat al-‘Alamī li-l-Maṭbū‘āt. (Original work published 1390 AH). (In Arabic)
- 11. Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1992). *Tafsīr Jawāmi‘ al-Jāmi‘*. Qom: Ḥawzah-ye ‘Ilmīyyah Qom – Markaz-e Mudīrīyat. (Original work published 1412 AH). (In Arabic)
- 12. Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1993). *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Tehran: Nāṣir Khusru. (In Persian)

13. Ghaffari, Mahdi. (2005). "Muṭāle‘ah-‘e Ma‘nāshinākhī-ye Nifāq dar Qur‘ān-e Karīm" [A Semantic Study of Hypocrisy in the Holy Quran]. *Payām-e Jāvedān Journal*, 8, 21-38. (In Persian)
14. Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. (1988). *Al-‘Ayn*. Qom: Nashr-e Hijrat. (Original work published 1409 AH). (In Arabic)
15. Qureshi, Ali Akbar. (1992). *Qamus-e Quran*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyah. (In Persian)
16. Muṣṭafawī, Ḥasan. (2006). *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur‘ān al-Karīm*. Tehran: Bungāh-e Tarjumah va Nashr-e Kitāb. (In Arabic)
17. Mūsá, Ḥussayn Yūsuf. (1990). *Al-Ifṣāḥ fī Fiqh al-Lughah*. Qom: Maktab al-A‘lām al-Islāmī. (Original work published 1410 AH). (In Arabic)
18. *Narmafzār-i Rāyānah-‘ī Jāmi‘ al-Tafsīr* [Computer software]. (2024). Markaz-e Taḥqīqāt-e Kāmpyūtar-i ‘Ulūm-i Islāmī. (In Persian).
19. *Narmafzār-i Rāyānah-‘ī Qāmūs al-Nūr* [Computer software]. (2024). Markaz-e Taḥqīqāt-e Kāmpyūtar-i ‘Ulūm-i Islāmī. (In Persian).
20. Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge University Press. (In English)
21. Evans, V. (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh University Press. (In English)
22. Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University Press. (In English)
23. Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. The University of Chicago Press. (In English)
24. Langacker, R. W. (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford University Press. (In English)
25. Motamad Langrodi, F., & Fattahizade, F. (2024). Typology of Hypocrites' Behaviors during the Expedition of Tabuk based on Surah al-Tawba. *Ankara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, *65*(1), 121–148. (In English)
26. Takahashi, H. (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of the English Imperative: With Reference to Japanese Imperatives*. John Benjamins Publishing. (In English).